

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل ها و مواضع رسانه ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / ده سؤال از رهبر انقلاب درباره برجام^(۸)

سؤال ششم: چرا علی‌رغم عدم رعایت برخی خطوط قرمز، اما رهبر انقلاب با پذیرش برجام موافقت کردند؟

بعد از قضیه‌ی کسب تجربه‌ی ملت ایران از این ماجرا، این نکته هم از نظر رهبر انقلاب مهم است که در کنار برخی از محسنات برجام، توان و ظرفیت تیم مذاکره‌کننده نیز همین مقدار بود: «برجام یک نقاط مثبتی دارد، یک نقاط منفی‌ای دارد؛ یک محسناتی دارد، یک معایبی دارد؛ محسناتش همان چیزهایی است که ما را وادار کرد و ترغیب کرد که به این مذاکرات رو بیاوریم... البته همه‌ی آن محسنات تأمین نشد، یعنی خیلی‌هایش تأمین نشد لکن حالا بالاخره یک محسناتی بود و انسان حس می‌کرد که ممکن است این فواید وجود داشته باشد. ۹۵/۳/۲۵

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۸۹ / چهارشنبه ۱۲ تیر ماه ۱۳۹۸

ریشه مشکل مسکن کجاست؟

کیهان: یکی از ده‌ها دلیل وجود مشکل مسکن برای مستاجرها در کشور ما این است که مسکن در ایران یک کالای سرمایه‌ای است، که سرمایه‌گذاری روی آن «صرفه زیادی» دارد. یعنی عده‌ای هستند که شغلشان «اجاره دادن مسکن» و درآمدزایی از این طریق است. وقتی ۲۸ میلیون مشتری برای یک محصول (اینجا اجاره خانه) وجود داشته باشد، و کنترلی نیز روی قیمت‌ها نباشد، خود به خود محیطی برای سوءاستفاده و چاپیدن مردم به وجود می‌آید. کشورهایی که موفق به حل این مشکل شده‌اند، معمولاً توانسته‌اند ریشه مشکل یعنی «سرمایه‌ای بودن مسکن» را بزنند.

برخی آمارها میزان خانه‌های خالی را که با هدف افزایش قیمت در آینده خریداری یا ساخته شده‌اند، تا ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد اعلام کرده‌اند. (این آمار غیررسمی و متعلق به سال ۹۵ است). شناسایی خانه‌های خالی و بستن مالیات‌های سنگین بر آنها، راه‌حلی است که تقریباً همه کشورهای دنیا آن را انتخاب کرده و به نتیجه هم رسیده‌اند.

موضوع مسکن در کشور ما یک «فرصت» است برای اولاً، حل معضل اجاره و سرپناه آن ۲۸ میلیون نفر و ثانیاً، ایجاد اشتغال برای آنهایی که امروز به دلیل تعطیلی ساخت و ساز و گرانی‌ها، با مهاجرت به تهران و شهرهای دیگر، مسافرکش شده‌اند!

فقط مسئولین محترم به این نکته توجه کنند که، طبق اعلام منابع رسمی، مستاجران کشورمان چیزی بین ۵۰ تا ۷۰ درصد درآمد ماهیانه‌شان را صرف اجاره‌بها می‌کنند

وقتی مدبری ۴ سال است حوصله راه‌اندازی سامانه مهمی را که بر عهده‌اش گذاشته‌اند ندارد تا مشکل جدی ۳۵ درصد جمعیت یک کشور حل شود، وقتی اولویت اول نماینده مجلس می‌شود کنسرت و تلگرام و حضور زنان در استادیوم فوتبال، وقتی روزی نیست که خبری از دستگیری اعضای شورای یک شهر به دلیل فساد مالی یا اخلاقی منتشر نشود، نباید از این وضع تعجب کرد. بله، تحریم‌ها هم در این مشکلات سهم دارند. اما تحریم هم یک مشکل است و کار مدیر حل همین مشکل هاست. در دولت نهم و دهم تحریم بودیم اما، هسته‌ای هم بودیم. نفت هم می‌فروختیم، پول آن را هم می‌گرفتیم. امروز تحریم هستیم، هسته‌ای نیستیم، نفت کم می‌فروشیم و....!

وقتی توان تشخیص اولویت‌ها را نداریم، راه‌حل‌ها را می‌بینیم اما حوصله کار نداریم، به راه‌حل‌های کارشناسان بی‌توجهیم، راه‌حل همه مشکلات را در خارج از کشور می‌بینیم، ساخته‌های دیگران را مزخرف می‌نامیم اما طرح جایگزین نداریم، وقتی دلمان خوش است که رئیس‌جمهور فرانسه می‌آید و برای جوانانمان شغل ایجاد می‌کند، یعنی ریشه لااقل بخشی از مشکلات کشور در سوءمدیریت است و نه تحریم‌ها.

فصلی جدید در روند تحولات منطقه

جوان: - اسقاط پهپاد شکست هیمنه نظامی امریکا را در پی داشت چرا که به لحاظ نظامی طراحی بدنه و سیستم‌های هوشمند پهپاد مذکور از منظر امریکایی‌ها به گونه‌ای است که آن‌ها تصور نمی‌کردند که سیستمی قادر باشد این هواپیما را هدف قرار دهد. اسپوتنیک، رسانه معروف روسی نیز نوشت امریکایی‌ها مدعی بودند که این پهپاد قابلیت عبور از همه نوع سیستم‌های راداری را دارد و با توجه به امکان پرواز در ارتفاع بالای ۶۵ هزار پا و سرعتی بالا و نوع آلیاژ ساخت آن، به هیچ‌وجه نه قابل ردیابی است و نه توسط هیچ سیستم پدافندی قابل سرنگونی می‌باشد. اسپوتنیک می‌افزاید: سرنگونی این هواپیما نشان می‌دهد که ایرانی‌ها نوعی موشک فوق سری افسانه‌ای در اختیار دارند که افسانه‌های امریکایی‌ها را می‌تواند به باد دهد.

- هدف‌گیری پهپاد بیانگر اراده ایران در مدیریت سطح تنش در عین اثبات توانمندی دفاعی است، چرا که ایران با هدف قرار دادن هواپیمای جاسوسی سرنشین‌دار امریکایی می‌توانست منازعه را به گونه‌ای دیگر ترسیم نماید.

- ضربه رویداد فوق بر نظام تصمیم‌گیری امریکایی‌ها به گونه‌ای است که با گذشت چند روز پس از آن حادثه، پس‌لرزه‌های آن هنوز در مواضع متضاد ترامپ و دیگر اعضای تیم او در کاخ سفید دیده می‌شود. ادعای لغو تصمیم حمله نظامی به ایران ۱۰ دقیقه قبل از عملیات، ادعای عدم لغو عملیات و احتمال انجام آن در آینده، به حاشیه راندن جان بولتون، اختلاف میان وزارت خارجه با مشاور شورای عالی امنیت ملی امریکا، اختلاف میان وزارت خارجه با پنتاگون و اختلاف میان ستاد شرق ارتش امریکا با پنتاگون، از جمله مواضع متناقضی است که این روزها حتی رسانه‌های امریکایی را نیز به تحیر و داشته است.

- هدف‌گیری پهپاد در عین عدم غافلگیری و هوشیاری ایران در برابر هر تجاوز، حتی به حریم آب‌های سرزمینی، آمادگی ایران را در برابر هرگونه تهدید و تجاوز نشان داد و هزینه هرگونه هجمه به ایران را در صورت تجاوز احتمالی و یا حتی تداوم وضع موجود به رخ دشمنان کشید.

- حمله به پهپاد امریکایی پیام ویژه‌ای را نیز برای شیخ‌نشین‌های منطقه داشت که با امید قدرت نظامی امریکا در برابر ایران، استقلال و عزت خود را به بهای اندک به امریکایی‌ها فروخته و سلطه این رژیم را بر ارکان خود پذیرفته‌اند، به این امید که امنیت‌شان تأمین شود.

- حادثه سقوط پهپاد، موقعیت نیروهای مقاومت در منطقه را به شدت ارتقا داد و هم‌افزایی آن را در مواضع این نیروها در یمن، فلسطین، لبنان، عراق و... می‌توان دید و در نقطه مقابل ترس و نگرانی صهیونیست‌ها سبب شد که آن‌ها تا چند روز نسبت به این حادثه سکوت کنند، به گونه‌ای که برایان هوک ناچار شد برای تقویت روحیه صهیونیست‌ها به سرزمین‌های اشغالی سفر و آن‌ها را دل‌داری دهد.

- نگرانی اروپایی‌ها کمتر از نگرانی صهیونیست‌ها و کشورهای عربی نیست. آن‌ها که در جریان یک جنگ احتمالی در منطقه، به ویژه از بحران انرژی بیشترین خسارت را می‌بینند.

در آرزوی دوئل ساختگی

رسالت: روزها به سرعت سپری می‌شوند و هر روز که از عمر صدارت اصلاح طلبان می‌گذرد، مردم از عملکرد این جریان ناراضی‌تر می‌شوند. دولت روحانی به مرز ۶ سالگی رسیده، در حالی که نه تنها هیچ موفقیت چشمگیری نداشته، بلکه کار را به جایی رسانده که مجبوریم عبور از سقف ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای پایین را که سال‌ها قبل، اتفاق افتاده بود و بسیار دم دستی می‌نمود، دوباره جشن بگیریم. ۶ سال توان و انگیزه و زمان و ظرفیت کشور تلف شد و حالا ما مانده ایم و مدیرانی که همچنان عبرت نگرفته‌اند که به دشمن نباید اعتماد کرد. از سوی دیگر، عملکرد اقتصادی دولت، اوضاعش وخیم‌تر است.

دولتی که چهار سال اول، یا به خارج چشم دوخته بود و یا همه چیز را به گردن دولت قبل می انداخت، امروز از سر عجز، نداشتن اختیار را بهانه کرده است.

شورای شهر اصلاح طلب اما وضعیتش آن قدر عجیب است که مشخص نیست چطور حتی عقلای جریان اصلاح طلب متوجه نیستند با این انباشتگی ناکارآمدی و نمایش ضعیف، با حیثیت خود چه می کنند. انتصاب پنج شهردار یا سرپرست شهرداری در زمانی کمتر از دو سال، یادآور عملکرد اصلاح طلبان در شورای اول است که نهایتاً به انحلال آن توسط دولت اصلاح طلب منجر شد. در مجلس هم اوضاع مشابه است. شاید اگر سران برخی از این احزاب مانند کارگزاران می دانستند که عملکرد مجلس مورد نظرشان قرار است این قدر ضعیف باشد، خودشان هم از پیروزی مطلق در تهران و برخی شهرهای بزرگ خوشحال نمی شدند.

قالیباف طی فراخوانی که در عرصه سیاسی به فراخوان مجلس نو شهرت یافت، از جوانان خواسته است به عرصه انتخابات مجلس ورود کنند و چهره های نو و جوانی که مناسب این کارند را معرفی کنند. از سوی دیگر، حدادعادل گفته است که برخی برای رضای خدا احساس تکلیف نکنند. این دو موضع مکمل یکدیگرند و لازمه آن که برخی جوانان توانمند به عرصه انتخابات مجلس پا بگذارند و مجلس نو تشکیل شود آن است که برخی از چهره های قدیمی و حاضر در صحنه، احساس تکلیف نکنند.

گام دوم ایران

صبح نو: معادله فشار حداکثری آمریکا به واسطه دو عامل تغییر پیدا کرده است؛ عامل اول شکست واشنگتن در راهبرد به آشوب کشاندن ایران و توهماتی مانند رژیم پنج بود. تلقی ترامپ این بود که تحریمها توانایی به خیابان کشاندن طبقه متوسط و پایین جامعه را دارد و ملت پس از مدت کوتاهی به واسطه فشار معیشتی مقابل دولت قرار خواهد گرفت. شورش های دی ۹۶ چنین چشم اندازی را برای ترامپ ایجاد کرده بود؛ اما نتیجه متفاوت بود و مردم در مقابل گفتمان براندازی مرزبندی کردند. رادیکالیسم و تخیلی بودن این گفتمان نوعی هراس میان جامعه ایجاد کرد؛ هراس از تجزیه سرزمینی، خشونت کور و بازگشت به عقب. عامل دوم، کاهش تعهدات برجامی ایران بوده است. ترامپ نه تنها در به آشوب کشاندن ایران موفق نبوده که در مقابل ایران نتوانسته در موضوع هسته ای گامی به پیش بردارد و از تعهدات خود بکاهد. ترامپ در این میان چند گزینه محدود دارد؛ گزینه جنگ که اصلاً برای او به صرفه نیست و مذاکره بدون دادن امتیاز بزرگ به ایران هم نشدنی است. تلاش او برای اجماع علیه ایران هم با موانعی روبه روست؛ پس او چاره ای ندارد جز دادن امتیاز بزرگ به ایران برای مذاکره احتمالی در قالب ۱+۵. کم شدن تعهدات برجامی ایران این روند را شدت می بخشد؛ هم از حجم تحریمها می کاهد و هم آمریکا را برای بازگشت به تحریمها وسوسه می کند.

متحیرم از ایمان زکزاکی!

وطن امروز: مردی در رنگ مؤذن پیامبر، سالیانی است که با مقاومت خود و پیروانش در قلب آفریقا بدل به فخر جهان اسلام شده است! متحیرم ریشه در کدام ایمان، کدام معرفت، کدام عقل و کدام عشق دارد اسلام «شیخ زکزاکی» که اینگونه مقاوم ایستاده است! نه رسانه ای مظلومیتش را آنچنان که باید و شاید مخابره می کند و نه مجامع بین المللی پیگیر حال و احوال وخیم او هستند، لیکن رهبر شیعیان نیجریه حقیقتاً الگوی ایستادگی است! او نه فقط در برابر شهادت فرزندانش صبر کرد و هرگز لب به شکوه نگوید، که حتی وخیم ترین شرایط جسمانی خودش را نیز در مخوف ترین محبس دنیا ماهها و بلکه سالهاست تحمل کرده است! در خبرها آمده بود: هر دو زانوی شیخ مظلوم نیاز به عمل جراحی دارد و تپش قلبش هم بسیار نامطمئن

است! او بینایی یک چشمش را کامل از دست داده و آن چشم دیگر نیز تنها ۱۵ درصد قدرت بینایی دارد! بدنش هنوز مرکب قطعات گلوله است و اوضاع همسرش نیز در همین حدود! همسری که مادر ۶ شهید است! مادر ۶ شهید! پدر ۶ شهید!

جنایاتی در حد نسل‌کشی؛ با سوءاستفاده از سکوت رسانه‌های جهانی! مکه و مدینه صدر اسلام کجا و صحرای سوزان آفریقا کجا؟! تهران و قم و مشهد صدر انقلاب کجا و بیابان گرم نیجریه کجا؟! براستی! کیستند اینان؟! و شجره اسلام راستین‌شان در دل کدام خاک، این همه با صلابت آبیاری شده که هرچه بیشتر زخم می‌خورند، بیشتر ندای توحید سر می‌دهند؟! بعد از این همه مدت درد و زجر شکنجه، اخیراً گروهی از پزشکان موفق شدند ملاقاتی با روحانی روسفید عصر معاصر ما داشته باشند و این خروجی دیدارشان: «شرایط جسمی، خراب‌تر از خراب اما شرایط روحی، عالی‌تر از عالی!» با خود می‌اندیشم که شیخ و همسرش در عصر حاضر، همان‌گونه مسلمانند که «یاسر و سمیه» در دوران پیامبر! و این اسلام مقاومت است؛ فتح بزرگ انقلاب خمینی! و این است نشانه‌های واضح عصر ظهور! که چگونه نور در تاریکی و ظلمت آخرالزمان، صحرا به صحرا و بیابان به بیابان می‌رود و در دل رهبر شیعیان نیجریه حلول می‌کند! اما اف بر سازمان لعتی ملل! اف بر شورای ملعون امنیت!

اف بر مدعیان دروغین حقوق بشر که فی‌الواقع این چشم چشم‌آبی‌های غربی است که کور است، نه دو دیده شیخ شریف ساکن در قاره سیاه!

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با شبکه العالم

العالم: این حرف آمریکا که ما رفتیم حمله کنیم و ۱۰ دقیقه قبلش این را لغو کردیم بلوف سیاسی است اینها اگر نتیجه حمله‌شان را موفق می‌دیدند لغو نمی‌کردند و قطعاً اتفاق می‌افتاد. اولاً اصلاً به قیافه آقای ترامپ نمی‌آید؛ ترامپ یک تاجر است و دنبال سود مادی است. دوماً تمام افرادی که مورد مشورت آقای ترامپ هستند نتیجه حمله را شکست آمریکا می‌دانستند. سوماً اینکه ما کارهایی کردیم که بازدارندگی ایجاد کرده است. آمریکا ۳۶ پایگاه در منطقه دارد به علاوه رژیم صهیونیستی. امروز ما اشراف اطلاعاتی داریم، امروز تغییرات در پایگاه‌های آمریکا را به صورت لحظه‌ای رصد می‌کنیم. بنابراین اگر آمریکایی‌ها بخواهند تعرض کنند ما همه سناریوها را بررسی کرده ایم، همه راه‌ها را پیش بینی کرده ایم آمادگی کامل داریم که آمریکایی‌ها هر جور عمل کردند جواب تلخ‌تر بشنوند. مثلاً آمریکایی‌ها می‌گویند فلان ناو ما شصت هفتاد فروند هواپیما همراه دارد، هرچی بخواهند ما را از ناو بترسانند هیکلش درشت‌تر است وقتی هدف و سیل درشت‌تر باشد زدنش راحت‌تر است، چند تا هواپیما می‌خواهد از روی آن بلند شود ما یک ناو هواپیمابر با حدود هفت هزار خدمه زیر آب غرق خواهیم کرد و به قوه الهی ما بر همه اینها قادر هستیم و اگر آنها تعرض کنند ما برای مقابله هیچ چیز کم نداریم و آمادگی مان کامل است.

